



معرفی جلد اول

مجموعه مقالات

وقف و تمدن اسلامی

سید امیرحسین کامرانی راد

با نگاهی به اعصار مختلف تاریخ بشری و تدقیق در قرون اسلامی، نقش نهاد وقف در توسعه معنوی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جوامع به خوبی مشهود است. با آغاز فرهنگ وقف از زمان رسول اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَام که ثمره‌ی آن رفع حواجج جمعیت‌هایی نیازمند در صدر اسلام بوده است و گسترش و توسعه‌ی آن در قرون شکوهمند تمدن اسلامی - که در آن نهاد وقف به عنوان بخش سوم اقتصاد (غیر دولتی و غیر اقتصادی)، از محرک‌های اصلی بالندگی اقتصادی و اجتماعی جوامع مسلمین بوده است - ابعاد مختلف این نهاد عظیم رفته رفته روشن‌تر شده، تا جایی که حتی در دوران اقتصاد مدرن جهانی، بخش اوقاف و نهاد وقف به عنوان عاملی مؤثر بر رشد درونزای مادی و معنوی جوامع - اعم از غربی و اسلامی - مورد توجه بزرگان علمی و سیاسی جهان قرار دارد.

اما در عصر حاضر که فرهنگ اسلامی در حال تجدید حیات و

نشانه‌های شکوفایی مجدد تمدن اسلامی، شکوهمندتر از قبل در حال تعلق و نورافشانی است، توجه به ابعاد مختلف این نهاد تمدن ساز موجب شتاب فرآینده فرآیند احیا در جوامع اسلامی خواهد بود؛ حرکتی که به لحاظ علمی در سال‌های اخیر، در کشورهای مختلف اسلامی و حتی غیر اسلامی، به شکل جدی‌تری پیگیری می‌شود. همایش علمی بین المللی وقف و تمدن اسلامی، در امتداد سایر تلاش‌های علمی مرتبط با نهاد وقف در سطوح بین المللی و به منظور شناسایی و بررسی ابعاد مختلف نهاد وقف و نقش این نهاد تأثیرگذار در شکوفایی تمدن اسلامی، به همت سازمان اوقاف و امور خیریه جمهوری اسلامی ایران و بانک توسعه اسلامی عربستان و با همکاری نهادهایی علمی و اجرایی و با یاری اندیشمندان و اساتید بزرگ حوزوی و دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران و اساتید مسلمان دانشگاه از سایر کشورهای جهان، در روزهای چهارشنبه و پنج‌شنبه، بیست و دوم

و بیست و سوم آبان‌ماه سال ۱۳۸۷ هجری شمسی در شهر اصفهان برگزار گردید.

در پاسخ به فراخوان مقاله و دعوت کمیته علمی همایش از اندیشمندان جهان برای مشارکت در این رخداد بزرگ علمی، بیش از ۱۳۰ مقاله داخلی - به زبان فارسی - و ۳۵ مقاله خارجی - به زبان‌های عربی و انگلیسی - به دبیرخانه علمی این همایش ارسال گردید که در نهایت پس از ارزیابی هر یک از مقالات توسط حداقل دو نفر از اساتید داور، تعداد ۸۰ مقاله فارسی، عربی و انگلیسی، حائز امتیاز لازم جهت چاپ در کتاب مجموعه مقالات همایش علمی بین‌المللی وقف و تمدن اسلامی شناخته شده و در سه جلد با موضوعات ذیل تنظیم گردید:

جلد اول مشتمل بر دو فصل می‌باشد؛ فصل اول با موضوع وقف در قرآن و سیره‌ی معصومین علیهم‌السلام و فصل دوم با موضوع وقف و تمدن اسلامی؛ ابعاد فقهی و حقوقی است.

جلد دوم نیز شامل فصل سوم

با موضوع وقف و تمدن اسلامی؛ ابعاد اقتصادی مالی و فصل چهارم با موضوع وقف و تمدن اسلامی؛ ابعاد مدیریتی می‌باشد.

جلد سوم هم در دو فصل تنظیم گردیده است؛ فصل پنجم با موضوع وقف و تمدن اسلامی؛ ابعاد فرهنگی و اجتماعی و فصل ششم با موضوع وقف و تمدن اسلامی؛ ابعاد تاریخی - سیاسی.

چکیده‌ی مقالات سه جلد در یک جلد مجزا (جلد چهارم) تنظیم شده است که البته علی‌رغم محاسنی که این کار ارزشمند دارد، در اثر عجله و دقت کم، همخوانی بین چکیده‌های مقالات با مقالات چاپ شده در هر جلد وجود ندارد به عنوان نمونه در چکیده‌های مقالات جلد اول، مقاله‌ی «ابعاد وقف در کشورهای سکولار با مطالعه مورد کشور تانزانیا» آمده، ولی در جلد اول چاپ نشده است و یا مقاله‌ی «تبدیل موقوفات» که در جلد اول چاپ شده، در چکیده مقالات (جلد چهارم) نیامده است. در

تنظیم چکیده‌ی برخی از مقالات به جای پرداختن به معرفی محتوای مقاله، کلی‌گویی صورت گرفته و جملات توصیفی درباره‌ی وقف و کارکردهای آن آمده که شایسته‌ی یک کار علمی و زین نمی‌باشد.

به هر حال تلاش برگزار کنندگان این همایش با هدف ایجاد جریان علمی نوین در بررسی و توسعه ابعاد نهاد وقف، موجب بروز نگاهی نو به موضوع وقف در اندیشمندان علوم دینی و مدرن گردید و در نتیجه، این همایش علمی را می‌توان نقطه‌ی عطفی در برنامه‌ها و پژوهش‌های علمی مرتبط با وقف در سطح بین‌الملل دانست و امید است این حرکت با مشارکت اندیشمندان اسلام و سازمان‌ها و نهادهای متولی در کشورهای اسلامی و غیراسلامی، با شتاب روز افزون تداوم یابد.

در این نوشتار به معرفی مقالات جلد اول که مشتمل بر بیست مقاله می‌باشد، می‌پردازیم.

فصل اول: وقف در قرآن و

سیره‌ی معصومین علیهم‌السلام

۱. مبانی و حیانی وقف

نویسنده: محمد مرادی^(۱)
در این نوشته، به منظور درک درست موضوع وقف در متون دینی به خصوص قرآن و تفسیر، اصطلاحات و واژه‌های به کار برده شده در دوران ظهور اسلام و در سده‌های نخست اسلامی معرفی و آن‌گاه به پیشینه وقف بر اساس آیه‌ای از قرآن پرداخته شده و سپس مناقشه برخی از علمای اسلامی در مشروعیت وقف با استناد به آیه‌ای از قرآن گزارش و بحث و بررسی و نقد شده است. ادامه این نوشته، کاوش در مبانی قرآنی وقف است که طی آن آیاتی از قرآن که می‌تواند مستند فقهی مشروعیت وقف و یا برخی از احکام وقف باشد، بررسی شده است.

۲. گستره مبانی وقف در قرآن

کریم

نویسنده: دکتر سید محمد علی ایازی^(۲)
نویسنده در این نوشتار به مبانی

وقف بارویکردی به شناخت جایگاه و اهمیت و بستر تشویق‌ها و جهت‌گیری‌ها در قرآن کریم پرداخته است. هدف این مقاله، نشان دادن مجموعه پیام‌هایی است که در جهت مفهوم‌سازی و تشویق به وقف و ساخت و ساز آن در قرآن استنباط می‌گردد. ادعای این مقاله این است که چون قرآن کریم از سویی براساس فطرت و خواسته‌های طبیعی انسان نازل شده و در سیر تاریخی نزول کتابهای الهی، پیام خود را آورده و مُصدِّقِ ادیان الهی پیشین و مُهیمِن و سَخَن برتر را دارد و خود فرموده است: ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِهِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ﴾ (۳) از این جهت شمول بیشتری در بیان نکات مربوط به حوزه وقف و راه‌های گسترش و جهت‌گیری و حفظ و نگهداری و دیگر مباحث مربوط به وقف را دارد، این بحث‌الگویی روشن از ظرفیت‌پذیری و جامعیت قرآن و امکان استنباط از این کتاب است، از این رو در آغاز

توضیح داده شده که وقف چیست، با چه شبکه‌های واژگانی و معنایی در قرآن رابطه دارد، و تعالیم قرآنی چگونه ظرفیت توسعه و فرهنگ‌سازی به وقف را می‌دهد، و از چه راه‌هایی به کارهای نیک و از آن جمله وقف تشویق کرده است، مدیریت وقف چگونه باید باشد و از چه شرایط برخوردار باشد و در نهایت نتیجه‌گیری‌ها و برداشت‌ها از اصول مسلم قرآنی چه چیزهایی است.

۳. اموال موقوفه رسول اکرم ﷺ مبنای سیره وقفی آن حضرت

نویسنده: محمد نوری (۴)

از پیامبر خاتم محمد بن عبدالله ﷺ در قرآن به اسوه حسنه (الگوی نیک) یاد شده و درباره حضرت بدون قید یا استثناء عبارت ﴿لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ (۵) آمده است. سیره نبوی به ویژه در موردی مثل وقف که از نهادهای زیربنایی در نظام اسلامی است، عمومیت‌الگویی دارد. آن حضرت برای تأسیس نهاد وقف و تعمیم اجتماعی آن، مسلمانان را همواره به مسجد‌سازی، ساختن منازل

میان راهی برای مسافران در راه مانده، حفر چشمه و نهر برای رساندن آب به مردم، صدقه دادن به فقراء و یتیمان و امثال این گونه اعمال سفارش می‌کرد. سیره رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در عرصه وقف، بر اموالی که وقف شد، استوار است. و بدون موقوفات ایشان، سیره وقفی هم امکان پذیر نیست. اگر موقوفه و اموال وقفی نبود، سیره وقفی هم شکل نمی‌گرفت. اما مورخان، سیره نگاران و محدثان همگی به اجماع از موقوفات نبوی خبر داده‌اند و چگونگی برخورد و تعامل یا روش و نوع رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با موقوفات یا اموال وقفی را گزارش نموده‌اند. بنابراین مهم‌ترین و اساسی‌ترین بحث این است که موقوفات یا اموال وقفی رسول الله را شناسایی کرده و حد و حدود و انواع آن را به دست آوریم. آن گاه می‌توان از سیره وقفی و الگوگیری از این سیره سخن گفت. بنابراین به لحاظ منطقی بررسی اموال وقفی نسبت به سیره وقفی و الگوگیری از سیره تقدم دارد. این مقاله در صدد است به همین

موضوع بپردازد. و بر اساس مدارک و منابع معتبر، اموال وقفی نبوی را معرفی نماید. برای تبیین این مبحث چندگونه منبع در اختیار داریم: ۱. قرآن کریم، ۲. روایت نبوی، ۳. منابع فقهی و ۴. منابع تاریخی. در این مقاله نخست به قرآن پرداخته می‌شود و سپس سه دسته دیگر منابع بررسی می‌شود.

۴. پژوهشی در موقوفات

اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام

نویسنده: فریبا شهیدی^(۶)
در قرآن کریم آیه ای که صریحاً بر وقف دلالت کند وجود ندارد، اما از مضامین آیات فراوانی که به روح احسان و تعاون و بخشش و اعمال صالحه دعوت می‌کنند می‌توان مفهوم وقف را استخراج نمود، در حیات طیبه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام و کلام گهربار ایشان نیز فراوان مسأله وقف مشاهده می‌شود که بیانگر اهمیت والای این سنت حسنه است. در این مقاله سعی بر آن است تا با پژوهشی در موقوفات اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام در صدر اسلام، نه تنها جایگاه و



با جزیی نگری در مسأله موقوفات معصومین علیهم السلام با استناد به منابع گرانبها و معتبر اسلامی بیان کند که این بزرگواران ثروت‌های مادی فراوانی از ملک، زمین، باغ، چشمه، چاه آب و ...

اهمیت این امر خطیر را بیان کند بلکه به ارایه ی تعدادی از موقوفات گران قدر معصومین علیهم السلام بپردازد. در این پژوهش بنا بر این بوده که

داشته‌اند، اما به دلیل تقوا و حب الهی از سویی و همدردی با مستضعفین و فقرا از سوی دیگر و همچنین تدبیر در امور مسلمین در ایام پس از کوچشان از دار فانی تمام آنچه را که داشته‌اند، وقف نموده‌اند.

فصل دوم: وقف و تمدن اسلامی؛ ابعاد فقهی و حقوقی

۵. مطالعه تطبیقی وقف در حقوق ایران و تراست در نظام حقوقی انگلیس

نویسنده: دکتر ایوب احمدپور^(۷)
این نوشته به بررسی تطبیقی دو نهاد وقف و تراست اختصاص یافته است و به بررسی تحلیلی پاره ای از جنبه‌های حقوقی این دو می‌پردازد. تراست و وقف که به دو سیستم حقوقی کاملاً متفاوت تعلق دارند، بی شک دارای خاستگاه متفاوت و تفاوت‌های بسیاری در قواعد حقوقی مرتبط می‌باشند. در کنار این از جهات مشابه متعددی برخوردار بوده که مطالعه تطبیقی این دو را توجیه می‌نماید.

در این مقاله ابتدا به بررسی تراست پرداخته شده تا آشنایی اولیه نسبت به این نهاد بیگانه حاصل آید و زمینه ای باشد برای تطبیق آن با نهاد وقف.

نویسنده در بخش اول این مبحث به تعریف تراست، شرایط اساسی وقوع آن، موارد کاربرد، انواع آن، عناصر تشکیل دهنده آن و سایر موضوعات مرتبط پرداخته و در بخش دوم با استفاده از دستمایه حاصل از بخش نخستین، پاره ای جهات مشابه و متفاوت تراست و وقف را تحلیل نموده است و ضمن آن بر حسب مورد نقاط ضعف و قوت هر یک از این دو نهاد را به منظور بهره مند شدن از فواید یک مطالعه تطبیقی برشمرده است.

۶. لزوم نظارت سازمان اوقاف بر وقف خاص

نویسنده: حجت الاسلام والمسلمین سید مهدی میرداداشی^(۸)
تاریخ وقف و موقوفات از فراز و نشیب‌های زیادی برخوردار بوده است، بسیاری از موقوفات مورد سوء

مقصود از «استقلال وقف»، اختیار واقف در کیفیت وقف و تعیین متولی آن است که به قاعده‌ی «الوقوف علی حسب ما یقفها اهلها» مستند می‌باشد. تأکید بر جنبه استقلال وقف، با سیاست‌های مداخله جویانه دولت‌ها که غالباً اوقاف عامه را همچون اموال دولتی و گاه مانند اموال خصوصی دولتمردان می‌شمردند، در تضاد است و از این رو نویسنده در این مقاله به تبیین این جنبه می‌پردازد، البته این بحث برای دولت‌های مقید به رعایت احکام اسلامی نیز از آن رو که مرزهای دخالت مشروع آن‌ها را مشخص می‌کند، مفید و مهم است. علاوه بر این تحقق وقف و صحت آن، متوقف بر فرآیندی است که کاملاً به اراده و اقدام شخص واقف مربوط می‌شود. در عین حال، در فقه مواردی وجود دارد که حاکم اسلامی می‌تواند یا موظف است که در امور موقوفات دخالت کند، نویسنده این موارد را تحت دو عنوان: الف) اوقاف فاقد متولی منصوص و ب) اوقاف دارای متولی منصوص، بررسی نموده است.

استفاده قرار گرفته و در راههای خارج از نیت واقف، صرف گردیده‌اند، برای حفظ و صیانت از موقوفات، فقهای امامیه و در پی آن قوانین موضوعه راه کارهایی را اندیشیده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها، نصب متولی، ناظر و ضم امین است، از سویی دیگر در نوع خاصی از موقوفات یعنی وقف خاص ملاحظه می‌شود که در برخی موارد چون وقف مقطوع الآخر، موقوفات از شکل وقفیت خارج شده و کسی بر آن نظارت ندارد. نویسنده در این مقاله در صدد بوده تا به بررسی جوانب مختلف این موضوع را بررسی نماید.

۷. استقلال وقف و قلمرو نظارت دولت

نویسنده: حجت الاسلام والمسلمین محمد سروش^(۹)

وقف در فقه اسلامی دارای ویژگی‌هایی است که از میان آن‌ها دو ویژگی: «ثبات و دوام» و «استقلال» از اهمیت بیشتری برخوردار است.

۸. فروش وقف در فتاویٰ فقهاء شیعه

نویسنده: سید محسن نریمانی (۱۰)

در اصل وجودی وقف که صدقه‌ی دائمی می‌باشد، و همچنین در تعریف وقف نیز تحبیس مال لحاظ شده است و از فروش مال موقوفه منع شده است. چرا که واقف، مال موقوفه را صدقه‌ی ای مستمر برای خویش قرار داده است، و فروش آن، وی را از پاداش اخروی آن محروم می‌سازد لذا حق او مانع از بیع آن می‌شود. همچنین با فروش مال موقوفه حق نسل‌های آینده ضایع شده، و آنان نیز از این حق محروم می‌شوند. از این رو تمامی علماء اصل اولی در وقف را عدم جواز بیع وقف می‌دانند. لیکن گاه مال موقوفه منجر به ایجاد فساد می‌شود که صلاح در بیع آن می‌باشد، به همین دلیل خداوند متعال در مواردی فروش وقف را اجازه فرموده است. فسادی که در مال موقوفه منجر می‌شود، به دو صورت امکان دارد. گاه فساد در خود مال موقوفه می‌باشد،

همانند مکانی که در شرف خرابی است و یا چنانچه تبدیل به شیء دیگری بشود موجب افزایش بهره‌بری از مال موقوفه می‌شود و گاه فساد در امور خارجی مال موقوفه است. مثلاً بقاء مال موجب اختلافات شدید، و گاه موجب خونریزی می‌شود. در این مقاله نویسنده پس از بررسی اصل اولی در عدم جواز بیع، مواردی که علماء فتویٰ به جواز بیع مال موقوفه داده‌اند را بررسی کرده است.

۹. مطالعه تطبیقی نهاد وقف و تراست از لحاظ مال موضوع هر یک

نویسنده: امیر باستانی (۱۱)

وقف در حقوق اسلامی با تراست در حقوق انگلیس وجوه اشتراک بسیار زیادی دارد. وقف نهادی تکامل یافته در بستر حقوق اسلامی و تراست منبعث از انصاف در سیستم حقوقی انگلوساکسون است. در این مقاله نگارنده به وجوه تفاوت و تشابه وقف و تراست از لحاظ: نوع مال، قابلیت بقاء در برابر انتفاع،

قابلیت قبض و اقباض و معلوم و معین بودن مال در هر دو نهاد به صورت جداگانه می‌پردازد. مضافاً به این مسأله توجه خواهد شد که دایره شمول اموالی که موضوع تراست قرار می‌گیرند وسیع‌تر از اموالی (عین) است که موضوع وقف واقع می‌شوند. کاربرد شایع نهاد تراست و همچنین نقش وسیع و گسترده آن در تنظیم روابط اجتماعی از یک سو و عدم انس و آشنایی حقوقدانان با مفهوم و ماهیت تراست از سوی دیگر تجزیه و تحلیل آن را ضروری می‌سازد.

۱۰. تبدیل موقوفات

نویسنده: دکتر سید محمد

اسدی نژاد^(۱۲)

در حقوق و فقه اسلامی و آموزه‌های اخلاقی اسلام وقف به عنوان یک نهاد حقوقی اقتصادی بدون سود برای حل مشکلات اقتصادی جامعه مدنی مورد تأکید قرار گرفته است. اگر امروز نهاد وقف با مقتضیات زمان هماهنگ شود، جامعه اسلامی را به اهداف خود

نزدیک می‌نماید. در حقوق ایران فروش مال موقوفه و تبدیل آن به عنوان یک امر استثنایی می‌باشد. این امر در بسیاری از موارد جلوی هر گونه تعدی به موقوفات را می‌گیرد، اما از طرفی دیگر ممکن است موجب معطل ماندن و زوال موقوفات گردد. در این مقاله ضمن بررسی موارد فروش و تبدیل موقوفات از فرایند تبدیل و وضعیت حقوقی بدل و همچنین از خलाهای قانونی آن بحث خواهد شد.

۱۱. شرایط وقف در مذاهب سبعه

نویسنده: حجت الاسلام والمسلمین

سید مهدی نریمانی زمان آبادی^(۱۳)

وقف پس انداز دائمی برای آخرت

است، این بحث از دو دیدگاه قابل

بررسی است، یکی جنبه فقهی است و

دیگر جنبه اخلاقی مسئله است. در این

نوشتار جنبه فقهی این موضوع آن هم از

طریق مقارن بررسی می‌شود. نویسنده

در این نوشتار با رویکرد فقهی، به بیان

شرایط وقف در دیدگاه فقیهان هفت

مذهب اصلی اسلامی (امامیه، حنفیه،

حنبلیه، زیدیه، شافعیه، ظاهریه، مالکیه) می‌پردازد، که طی بررسی‌های صورت گرفته، در نوع خود بی‌نظیر است. این مقاله از یک مقدمه و چهار فصل تشکیل شده است؛ که مقدمه بر ارزشمندی و فواید وقف استوار شده است. فصل نخست، به واژه‌شناسی «وقف» در لغت و اصطلاح پرداخته است، و از همین رهگذر به استعمال این واژه در ادب و شعر فارسی اشاره شده.

فصل دوم به ضرورت فقه‌مقارن در تحقیقات و پژوهش‌های فقهی اشاره کرده است، از این رو، نویسنده پس از تعریف فقه‌مقارن، برخی نگاه‌های شیعیان در زمینه فقه‌مقارن را بیان نموده است. در ادامه هفت اهمیت پژوهش به صورت مقارن ذکر می‌گردد.

فصل سوم؛ به بیان شرایط وقف در مذاهب سبع پرداخته است، به همین خاطر نویسنده، در نخستین گام شرایط فقهی وقف را به چهار دسته تقسیم‌بندی می‌کند؛ که عبارتند از: شرایط وقف، شرایط واقف، شرایط موقوف علیه، شرایط موقوف. در بخش نخست شش

شرط مهم از شرایط وقف به صورت مقارن بیان شده است، پس از بیان شرایط کلیدی واقف به شرایط موقوف علیه پرداخته شده تا روشن گردد چه کسانی استحقاق دارند به عنوان موقوف علیه مد نظر قرار گیرند. در بخش پایانی این فصل که مهم‌ترین و کلیدی‌ترین بخش نیز به شمار می‌رود، پنج شرط برای چیزی که قرار است وقف گردد، مطرح شده است و برخی مصادیق آن نیز مطرح شده است. لازم به یاد آوری است در این بخش با توجه به تغییر موضوعات، برخی مصادیق مالی که پیش از این نمی‌توانسته به عنوان موقوف قرار گیرد، به عنوان جایز الوقف مطرح می‌گردد، در واقع تغییر شرایط در داد و ستدها، سبب شده است برخی مصادیقی که در گذشته ممنوع الوقف باشد، امروزه جایز الوقف تلقی گردد. در فصل چهارم به نتیجه‌گیری کلی از مقاله و مسیرهای فراروی پژوهشگران برای پژوهش‌های آینده، اشاره شده است.

۱۲. سیر تاریخی اندیشه وقف در

مسیر فقه شیعی (از آغاز تا قرن هفتم هجری)

نویسنده: دکتر سید علیرضا
واسعی^(۱۴)

پدیده وقف، که در تفکر اسلامی پیشینه‌ای به درازای اصل اسلام دارد و در فرهنگ و تمدن مسلمانان نقشی مؤثر آفریده، در این نوشتار، به اجمال مورد مطالعه و تأمل قرار گرفته و حضور آن در اندیشه فقه اسلامی - شیعی، از آغاز تا قرن هفتم هجری نشان داده شده است. با این که بحثی فراگیر و همه جانبه در این مقاله کوتاه ممکن نیست، اما نویسنده کوشیده تا چگونگی تبلور این پدیده را در کتاب‌های فقهی - شیعی بر نماید و نوع نگاه فقیهان به آن را نشان دهد. از زمانی که علم فقه به عنوان دانشی مستقل و سامان یافته در میان مسلمانان شکل گرفت، وقف به عنوان یکی از موضوعات جدی در آن مورد توجه قرار گرفت و اولین فقیهان شیعه هر چند به کوتاهی در باره آن به گفتگو پرداختند و در گذر

زمان، آهسته آهسته مباحثی گسترده‌تر و گاه نو در اطراف آن، به ویژه در چگونگی و شرائط آن پدید آمد که تا حدی انعکاس حضور و نقش آن در جامعه می‌تواند به شمار آید. آن چه در آغاز اندیشه فقیهان را به خود معطوف می‌داشت، بیان معنا و جایگاه وقف در دیانت اسلامی، و تا حدی ارکان و شرائط آن بود، اما بعدها که پرسش‌های جدیدی در جامعه ایجاد و مشکلاتی پیدا شد طبعاً سمت و سوی مطالعات کاربردی‌تر و ملموس‌تر گردید.

در این نوشتار سعی بر آن بوده تا این فرایند فکری را در طول تاریخ چند قرن اولیه فقه شیعی نشان دهد. نویسنده پس از بیان مسأله و پرسش‌ها و یادکرد هدف، به بیان معنای لغوی و اصطلاحی وقف روی کرده و در ادامه اندکی از جایگاه آن سخن به میان آورده و سپس دیدگاه‌های آغازین فقهی را مطرح و رویکردهای مختلف بدان را برشمرده و نشان داده است که پدیده وقف چگونه در فقه شیعی به تصویر کشیده شده است. در پایان

اشاره کوتاهی نیز به دیدگاه اهل سنت در خصوص وقف شده است.

۱۳. مالکیت وقف و انتقال آن در فقه تطبیقی

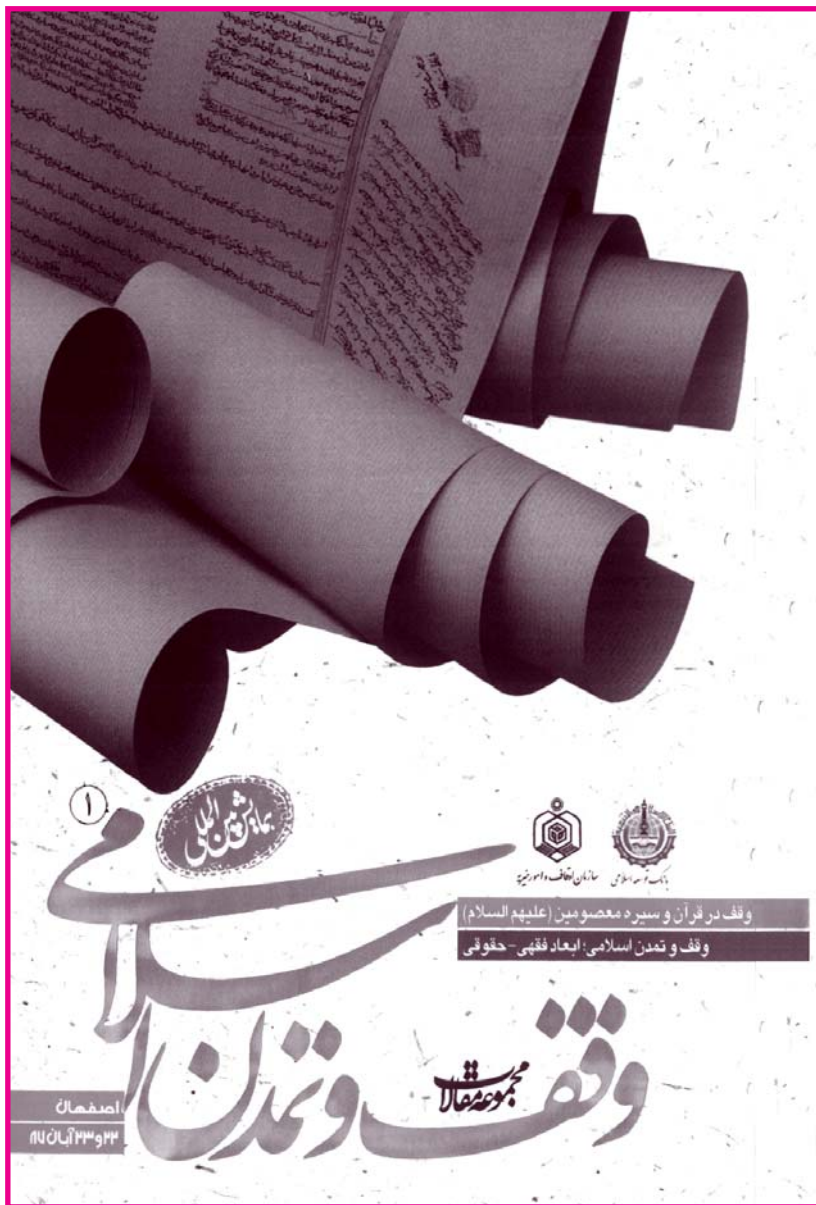
نویسنده: دکتر کامران ایزدی
مبارکه (۱۵)

دیدگاه مشهور در بین فقیهان امامی آن است که وقف کننده مال وقفی را به مالکیت کسی که به وی وقف شده درمی آورد. برخی بر این فتوی ادعای اجماع کرده اند. دیدگاه دیگر آن است که وقف کننده نسبت به مال وقفی تنها از خود سلب مالکیت می نماید بدون آن که آن را به مالکیت کسی درآورد. دیدگاه سوم آن است که مالکیت عین مال وقفی همچنان در مالکیت وقف کننده باقی می ماند و او تنها به تملیک منافع مترتب بر آن به کسی که به وی وقف شده، مبادرت می نماید. در این مقاله ادله هر یک از طرفداران دیدگاههای فوق و نیز دیدگاه مشهور فقیهان مذاهب چهارگانه طرح و بررسی شده، سپس به موضوع فروش

و اجاره مال وقفی که مهم ترین راههای انتقال مالکیت عین و منافع است، پرداخته شده است.

۱۴. مطالعه تطبیقی وقف در حقوق ایران و تراست در انگلیس

نویسنده: داوود اسلامی (۱۶)
با نگاهی گذرا به نهادها و تأسیسات حقوقی در نظام های حقوقی مختلف، در بادی امر شباهت هایی بین برخی از نهادهای حقوقی که در این نظام ها وجود دارد مشاهده می شود، این شباهت ها موجب می شود که افرادی این نهادها را معادل یکدیگر در دو نظام حقوقی مختلف بدانند. همان گونه که در نظام حقوقی اسلام از «وقف» برای خیرات و مبرات عمومی استفاده می شود، در حقوق انگلیس و کشورهای کامن لا از نهاد «تراست» برای نیل به این آرمانهای معنوی استفاده می شود. با وجود شباهت هایی که تراست با وقف دارد، آن را نمی توان معادل وقف در حقوق



کامن لا دانست و باید گفت که تراست
ترکیبی از هبه، نمایندگی و انتفاع است.
نویسنده در این تحقیق با تبیین این
دو نهاد حقوقی و مقایسه آن‌ها، نقاط
اشتراک و افتراق این دو نهاد حقوقی
را بیان می‌کند.

۱۵. وقف شخص حقوقی

نویسنده: حجت الاسلام والمسلمین

مجید رضایی دوانی^(۱۷)

جایگاه وقف در امور اجتماعی و اثرگذاری آن در بخش اقتصادی امروزه بیش از پیش روشن شده است. بهره برداری مناسب و کارآمد از اموال موقوفه و تغییر و تبدیل آن در زمانی که با کاهش ارزش مواجه می‌شود، لازمه فعالیت اقتصادی است. راههای مختلفی وجود دارد که براساس آن می‌توان ضمن استفاده از نهاد وقف، تغییر و تحولات اقتصادی را مد نظر قرار داد. مقاله حاضر در پی اثبات صحت وقف شخص حقوقی است. در صورت اثبات آن شخص حقوقی به صورت عین موقوفه در می‌آید و با ثبات آن در طول زمان منافع آن به اهداف اقتصادی اختصاص می‌یابد. البته اموال و دارایی شخص حقوقی به صورت وقف در نمی‌آید، بلکه در تملک شخص حقوقی (عین موقوفه) مانده و می‌توان آن را به صورت بهینه

و متناسب با تحولات اقتصادی حفظ کرد. شرایط وقف و موقوفه که در فقه مطرح است قابل تطبیق بر شخص حقوقی است. این امر باعث حضور فعال‌تر وقف در بازار سرمایه خواهد شد.

۱۶. بررسی معافیت موقوفات و سازمان اوقاف از پرداخت هزینه دادرسی در حقوق ایران

نویسنده: حامد هادی^(۱۸)

پس از تصویب قانون آیین دادرسی مدنی جدید در سال ۱۳۷۹، معافیت موقوفات عام و سازمان اوقاف از پرداخت هزینه دادرسی که به استناد تبصره ماده ۹ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه بود، توسط محاکم و آراء مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه مورد تردید قرار گرفت. بنابراین با بررسی ادله طرفداران نظریه عدم معافیت این نهادها از پرداخت هزینه دادرسی و تطبیق آن ادله با اصول کلی حقوقی و مقررات موجود، این نتیجه حاصل شد

واقف با وقف نمودن اموال خود در واقع حق هرگونه تصرف و نقل و انتقالی را از خود سلب کرده و منافع ناشی از آن را صرف امور خیر و عام المنفعه می‌نماید. با این اوصاف سوالی که مطرح می‌شود این است که با وجود سلب و منع هرگونه تصرف و نقل و انتقالی، آیا می‌توان مال موقوفه را تبدیل نمود؟ به عبارت دیگر آیا استثنائاتی وجود ندارد که بتوان در آن موارد مال موقوفه را به فروش رساند؟ در فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران مواردی وجود دارد که شارع و قانونگذار، فروش مال موقوفه را تجویز نموده است.

آنچه مسلم می‌باشد این است که چه در فقه امامیه و چه در حقوق ایران، اساساً بیع مال موقوفه با توجه به ماهیت آن جایز نمی‌باشد، با وجود این موارد معین و محدودی وجود دارد که فقهای امامیه و به تبع آن قانون مدنی ایران، حکم به جواز بیع مال موقوفه نموده است که نویسنده در این مقاله به بررسی آن پرداخته است.

که موقوفات خاص از معافیت مذکور برخوردار نبوده و موقوفات عام و سازمان اوقاف مشمول معافیت مزبور می‌شوند. در این مقاله نویسنده پس از بیان مفهوم هزینه دادرسی و مقررات راجع به معافیت از پرداخت آن، به مقررات و قوانین خاص معافیت سازمان اوقاف و موقوفات عام از پرداخت هزینه دادرسی می‌پردازد و استفساریه‌های مربوط به آن را همراه با پاسخ ارائه می‌نماید و در ادامه ادله قایلین به معافیت سازمان اوقاف و موقوفات عام از پرداخت هزینه دادرسی و مخالفان را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد.

۱۷. تبدیل مال موقوفه در حقوق ایران و فقه امامیه

نویسنده: مصطفی مظفری^(۱۹)

وقف در جوامع اسلامی به دلیل نقش بسزایی که در فرایند توسعه و پیشرفت دارد از اهمیت وافری برخوردار است به همین دلیل یکی از موضوعاتی است که به طور برجسته و دقیق در فقه و حقوق اسلامی به آن پرداخته شده است.

۱۸. مطالعه‌ی تطبیقی میان وقف و تراست در حقوق ایران و انگلیس با نگاهی بر جواز بیع وقف از لحاظ فقه امامیه

نویسندگان: امیر باستانی^(۲۰) و علیرضا اسماعیل آبادی^(۲۱)

نهادهای اجتماعی که از بطن جوامع پوشیده و به شکل امروزی در آمده است، ریشه در آداب و رسوم و ضرورت‌های جوامع دارند. وقف در حقوق اسلام و تراست (در حقوق انگلیس) از جمله‌ی این نهادها هستند. وقف نهادی تکامل یافته در بستر حقوق اسلامی و تراست، منبعث از انصاف در سیستم حقوقی انگلوساکسون است. این دو نهاد حقوقی هر چند تفاوت‌های بنیادی با هم دارند، هر دو بر محور اختصاص اموال جهت انتفاع اشخاص یا صرف در جهات عام المنفعه می‌چرخند.

قانون مدنی ایران اصل را بر غیر قابل خرید و فروش بودن مال موقوفه قرار داده و تنها در دو مورد استثنایی، خرابی موقوفه یا بروز اختلاف شدید

بین موقوف علیهم، فروش آن را مجاز دانسته است. با این همه، مطالعه‌ی منابع فقهی نشان می‌دهد که در موارد دیگری هم فروش مال موقوفه مجاز است که در این مقاله به صورت مختصر این موارد بر شمرده می‌شود. افزون بر این، این نوشتار به مطالعه‌ی تطبیقی دو نهاد وقف و تراست از لحاظ پایان پذیری هر یک به نحو ارادی و قهری می‌پردازد و نقاط اشتراک و افتراق این دو نهاد را بر می‌شمارد.

۱۹. وقف حقوق معنوی

نویسنده: دکتر پژمان محمدی^(۲۲)

حقوق (مالکیت) معنوی یا فکری، اموالی اعتباری و غیر مادی هستند که جامعه به دانشمندان صاحب اندیشه و ابتکار خود از طریق قانون اعطاء کرده است و به آن‌ها فرصت استفاده کوتاه مدت و انحصاری از این حقوق مالی اعتباری را می‌دهد. با توجه به اهمیت و گسترش این نوع اموال، امروزه، این که آیا این حقوق تازه شناخته شده یا غیر مادی قابل وقف کردن هستند یا

خیر مسئله ای جدی است. برخی (و شاید غالب افراد) با تکیه بر لزوم عین بودن مال موقوفه، موقتی بودن حقوق (مالکیت) معنوی، عدم قابلیت قبض این حقوق و برخی استدلالات دیگر پذیرش وقف آن‌ها را منطقی نمی‌دانند. این تحقیق در صدد طرح این زمینه نزاع است، ولی از یک سو نمی‌توان آن را مطرح کرد مگر با ارایه چهره کلی و عام دو بحث «وقف» و «حقوق (مالکیت) معنوی».

بررسی کامل این دو در این مقاله امکان پذیر نبوده و فقط به ضرورت‌ها اکتفا شده است. از سوی دیگر، ذکر جزئیات همه نظرات فقها (اعم از خاصه و عامه) با محدودیت‌های این مقاله سازگار نبوده و به لحاظ گسترده بودن مقولات مورد بحث، صرفاً از چارچوب و خصایص اصلی آن‌ها یاد شده است.

این تحقیق به واسطه فقدان سابقه بررسی قبلی، به طور جدی به بررسی سوابق نظرات و تطبیق موضوعات جدید و قدیم متکی می‌باشد و از این

رو مصون از ایراد نیست. در این نوشتار ابتدا مفاهیم مورد بحث - وقف و حقوق (مالکیت) معنوی - تحلیل شده و سپس نظرات قابل تصور و استدلال‌های هر گروه در مورد امکان وقف این حقوق بررسی شده است و در پایان نتیجه گیری شده که حقوق مذکور قابلیت وقف دارند.

۲۰. مطالعه‌ی تطبیقی نهاد وقف در فقه و قوانین مدون

دکتر محمدرضا امیر محمدی^(۲۳) در این مقاله، ماهیت وقف، شرط انعقاد، اموالی که می‌توانند موضوع وقف قرار گیرند، مالکیت مال موقوف، شخصیت حقوقی وقف، تلف مال موقوف و اداره‌ی آن مورد بحث قرار گرفته و نویسنده به این جمع بندی رسیده که وقف عقدی است عینی و قبض از شرایط صحت آن است و ظاهر قانون مدنی دلالت بر این دارد، که تنها عین معین قابلیت وقف دارد، اما می‌توان نتیجه گرفت که وقف دینی کلی فی الذمه، منفعت و حقوق دینی نیز، تحت شرایطی از نظر اصول کل

حقوق امکان پذیر است؛ اما با وجود نص قانون، توسل به تفسیر موسع، کاری مشکل است؛ بنابراین برای گسترش قلمرو وقف چاره ای جز اصلاح قانون نیست.

پی نوشت ها:

۱. مسوول گروه ترجمه پژوهشکده علوم و معارف حدیث قم
۲. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات و مدرس حوزه علمیه قم
۳. مائده/۴۸
۴. محقق و پژوهشگر مطالعات اسلامی
۵. احزاب/۲۱
۶. مدرس دانشگاه آزاد اسلامی و معاون پژوهش حوزه علمیه الغدیر
۷. عضو هیأت علمی گروه حقوق دانشگاه شهید باهنر کرمان
۸. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه مفید
۹. عضو هیأت علمی گروه حقوق پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
۱۰. محقق علوم اسلامی موسسه‌ی فقه الثقلین
۱۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق و جزا و جرم شناسی دانشگاه تهران (پردیس قم)
۱۲. عضو هیأت علمی دانشکده علوم انسانی دانشگاه گیلان
۱۳. مدرس و محقق حوزه علمیه خراسان، محقق مؤسسات فرهنگی - پژوهشی فقه

الثقلین و شیفتگان کمال

۱۴. رییس پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت (علیهم السلام) پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم و عضو هیأت علمی دانشگاه علم و صنعت
۱۵. استادیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)
۱۶. دانشجوی دوره کارشناسی ارشد حقوق و جزا و جرم شناسی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)
۱۷. پژوهشگر دانشگاه مفید قم
۱۸. کارشناسی ارشد معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق (علیه السلام)
۱۹. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه تهران (پردیس قم)
۲۰. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق و جزا و جرم شناسی دانشگاه تهران (پردیس قم)
۲۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران (پردیس قم)
۲۲. عضو هیأت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز
۲۳. عضو هیأت علمی گروه حقوق دانشگاه شهید باهنر کرمان